

# فیش منبر

## موضوع:

ابوطالب علیه السلام  
حامی پیامبر اکرم  
صلی الله علیه و آله

جهت عضویت در

کانال محراب کلیک کنید .

بسم الله الرحمن الرحيم

### ابوطالب علیه السلام حامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ابوطالب علیه السلام عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و پدر بزرگوار حضرت علی علیه السلام است.

او کسی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره اش فرمود: «یا عم! ربیتَ صغیراً و کفلتَ یتیماً و نصرتَ کبیراً فجزاک الله غنّی خیراً» [1] عموجان در کودکی تربیت نمودی در یتیمی کفالت نمودی و در بزرگی یاریم کردی، خداوند پاداش خیر این همه زحمت که برایم کشیدی به تو مرحمت فرماید.»

ابوطالب علیه السلام بزرگ مکه و قریش، با زبان و قدرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله حمایت می کرد تا جایی که حضرت را بر فرزندان خود مقدم می داشت. در تهدیداتی که نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله می شد با قدرت برخورد می کرد. زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله با جمعی از یارانش در محاصره ی اجتماعی، اقتصادی قرار گرفته بودند، ابوطالب علیه السلام شب ها جای خواب رسول خدا صلی الله علیه و آله را عوض می کرد و فرزندش علی علیه السلام را به جای او می خواباند که اگر سوء قصدی پیش آمد، جان رسول

خدا صلی الله علیه و آله در سلامت باشد. [2] و در مواردی شخصاً شمشیر دست می گرفت و از حضرت پاسداری می کرد و کفار همین که بزرگ مکه و قریش را حامی پیامبر صلی الله علیه و آله می دیدند از حرکات ایذائی خود صرف نظر کرده متفرق می شدند. [3]

در یکی از روزها ابوطالب، پیامبر صلی الله علیه و آله را نیافت خیال کرد حضرت را گروگان گرفته یا شهید کرده اند، فوراً بنی هاشم را جمع و همه را مسلح نمود و هر کدام را برای انتقام به سراغ یکی از بزرگان کفار فرستاد.

### حمایت «مکتبی» نه «عاطفی»

بعضی تصور کرده اند که این همه حمایت ابوطالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر آن بود که حضرت فرزند برادرش بود و حمایت جنبه ی عاطفی داشته، غافل از اینکه:

1- عاطفه ی انسان نسبت به فرزند خود بیش از فرزند برادر است و ما می بینیم که ابوطالب فرزند خود را فدای رسول خدا می کرد. در شبهای خطرناک خوابگاه حضرت را با خوابگاه فرزند خود عوض می نمود. [4]

2- اگر عاطفه عمو بودن سبب این همه محبت است، چرا ابولعب عموی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله این همه کار شکنی می کرد؟

3- سایر بنی هاشم که از قبیله پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و حتی به حضرت ایمان هم آوردند و در مشکلات نیز سهیم بودند هیچ یک به اندازه ابوطالب علیه السلام ایثار و فداکاری از خود نشان نمی داند.

بنابراین هیچ تحلیل و تفسیری برای آن همه ایثار در مورد پیامبر جز ایمان قلبی وی در کار نیست.

پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله چنان شیفته مکتب می شدند که برای مسایل عاطفی جز در مواردی که خود اسلام مانع می شد حسابی باز نمی کردند. حتی در تاریخ می خوانیم که یکی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله خدمت حضرت رسید و اجازه خواست پدر کافر خود را بکشد!!

### ایمان ابوطالب

دلائل ایمان ابوطالب علیه السلام زیاد است که ما بسیار فشرده گوشه ای از آن را از کتاب «الصحيح من السیره» نقل می کنیم:

- 1- جملاتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و آئمه هدی علیهم السلام درباره ایمان او فرموده اند بهترین دلیل بر ایمان آن بزرگوار است.
- 2- حمایت های بی دریغ او از پیامبر صلی الله علیه و آله در شرایط بسیار سخت.

3- اقرار ابوطالب علیه السلام در اشعاری که در باره ی پیامبر و ارتباط خود با خداوند سروده است.

4- ابوطالب علیه السلام به فرزند خود جعفر و به همسر خود فاطمه بنت اسد و به برادر خود حمزه، سفارش به اسلام و نماز و حمایت از حضرت محمد صلی الله علیه و آله را می کند.

5- حزن و استغفار و ناراحتی شدیدی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام فوت ابوطالب پیدا شد دلیل دیگری بر ایمان اوست.

6- ابوبکر و عباس می گویند که ابوطالب علیه السلام هنگام مرگ می گفت:

« لا اله الا الله محمد رسول الله »

7- رسول خدا صلی الله علیه و آله بالای منبر برای ابوطالب علیه السلام دعا و استغفار کرد و جنازه ی او را تشییع نمود و به حضرت علی علیه السلام دستور غسل و کفن و دفن داد. فقط نماز بر او گذارده نشد، زیرا تا آن زمان نماز میت بر مسلمانان واجب نشده بود، همان گونه که بر خدیجه علیها السلام هم نماز گذارده نشد.

8- حضرت علی علیه السلام هنگام فوت پدر بزرگوارش مرثیه ها و اشعاری خواندند، و در نامه ای که سال های بعد برای معاویه فرستاد مطالبی نوشتند که از جمله ی آنها این بود: بسیار فرق است میان پدر من ابوطالب و پدر تو ابوسفیان.

9- در روایتی می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من در قیامت شفیع پدر و مادر و عمویم ابوطالب علیه السلام هستم.

10- در حدیث آمده است که خداوند به پیامبرش وحی کرد که آتش بر پدر و مادر و کفیل تو حرام است.

11- در اسلام فاطمه بنت اسد، شکی نیست او از زنان سابقه دار و معاجران است و اگر ابوطالب علیه السلام مسلمان نبود هرگز اجازه داده نمی شد که شوهر زن با ایمانی، مرد غیر مؤمنی باشد. [5]

امام صادق علیه السلام فرمود: ابوطالب ایمان خود را در اوائل کار همچون اصحاب کعبه کتمان می کرد و این تاکتیکی برای حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

در آن زمان اسلام نیاز به یک چهره ی اجتماعی که مورد قبول همه مردم منطقه باشد داشت و چنانچه ابوطالب علیه السلام ایمان خود را اظهار می کرد کفار او را کنار زده، راه را برای کوبیدن حضرت رسول صلی الله علیه و آله از هر طرف باز می دیدند.

با این همه دلیل جایی برای شک در ایمان ابوطالب علیه السلام نیست اگر یک دهم از فداکاری های ابوطالب را دیگری انجام داده بود صدها کمال و فضیلت برای او می تراشیدند.

ولی در اینجا ابوطالب علیه السلام باید چوب فرزند مظلومش را بخورد. او یک گناه نابخشودنی بیشتر ندارد، گناهِش این است که پدر علی علیه السلام است و دستگاه بنی امیه و خلفای ستمکار حتی با سایه علی علیه السلام نیز مخالفند. باید به هر قیمت و تهمتی که شده این خاندان را زیر سؤال برده، تحقیر نمایند و زحمات چهل و دو ساله ابوطالب علیه السلام را نادیده انگارند [6] باید زحمات پدر در مکه و پسر در مدینه به دست فراموشی سپرده شود تنها در گوشه و کنار افرادی از ابوطالب حمایت کنند. آن هم دچار مشکلات و زندان ها و شکنجه شوند. [7]

و یا بعضی همچون ابن ابی الحدید در اشعار خود بگویند که اگر ایمان و و ایثار ابوطالب علیه السلام و فرزند او علی علیه السلام نبود، هرگز دین قد راست نمی کرد.

آری! بسیار کم هستند افرادی که علم و شناخت و انصاف و آزاد مردی آنان، دستخوش هوسها و نظام های طاغوتی نگردد.

اگر هیچ دلیلی بر ایمان ابوطالب علیه السلام جز وصیت نامه ی آن بزرگوار نداشتیم کافی بود. مرحوم علامه امینی در کتاب شریف «الغدیر» می نویسد: ابوطالب علیه السلام در لحظه مرگ خود فرمود:

«یا معشر بنی هاشم! اطیعوا محمدًا و صدقوه، تغلحوا و ترشدوا؛ ای جماعت بنی هاشم! از محمد صلی الله علیه و آله اطاعت کنید و او را تصدیق نمایید تا رستگار و ارشاد شوید.»

همچنین فرمود: محمد امین قریش، راستگوی عرب و دارای همه ی کمالات است. دل ها به او ایمان دارد ولی زبان ها از ترس به انکار برخاسته، من می بینم که در آینده مستضعفان دور او را گرفته به حضرتش ایمان می آوردند و او با کمک همان مستضعفان، صغوف قریش را خواهد شکست و سران آنان را خوار و خانه های آنان را خراب خواهد نمود و بی پناهان را نیرومند و مصدر امور را به آنان خواهد داد و در خاتمه فرمود:

«کونوا له ولاءً و لحزبه حماة؛ به او علاقمند بوده و از حمایت کنندگان حزب او باشید.» [8]

شما را به خدا چنین وصیت نامه ای را جز از مؤمن به رسول خدا صلی الله علیه و آله می توان انتظار داشت؟

بی جهت نیست که امام باقر علیه السلام فرمود: ایمان ابوطالب علیه السلام بر ایمان بسیاری از مردم ترجیح دارد و امیرالمؤمنین علیه السلام دستور می داد از طرف وی به نیابت از ابوطالب- حج به جا آوردند. [9]

چگونه می توان ابوطالب علیه السلام را مؤمن ندانست در حالی که بیش از سه هزار شعر از او به جای مانده که همه آنها بر ایمان او دلالت دارد؟ [10]

چگونه می توان در ایمان ابوطالب علیه السلام شک کرد در حالی که نوزده شعر جالب برای نجاشی پادشاه حبشه فرستاد که با مسلمانان مهاجر به آن دیار خوش رفتاری نماید؟ [11]

چگونه می توان در ایمان کسی شک کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله را از کودکی آبرومند درگاه خدا می دانست؟ چنانکه در تاریخ می خوانیم: دو سال در مکه باران نیامد، ابوطالب علیه السلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله را که کودکی شیر خواره و در قنذاق بود روی دست گرفت و به سوی کعبه توجه نمود، کمی او را به آسمان پرتاب کرد و گفت:

«یا رب! بحق هذا الغلام اسقنا؛ پروردگارا! تو را بحق این کودک ما را سیراب نما.»

ساعتی پیش نگذشت که ابر سراسر آسمان را گرفت و باران شروع به باریدن نمود و بقدری بارید که مردم از خراب شدن مسجد ترسیدند.

ابوطالب علیه السلام که دعا و توسل به آبروی این نوزاد را این چنین مؤثر دید اشعاری در عظمت و مقام این کودک سرود. [12]

## پی نوشت ها:

- [1] ابوطالب مظلوم تاریخ، ص 1.
- [2] الصحيح من السیره، ج 1، ص 125
- [3] الصحيح من السیره، ج 1، ص 125
- [4] الصحيح من السیره، ج 1، ص 127.
- [5] تمام این مطالب از کتاب الصحيح من السیره، (ج 1، ص 134- 142) می باشد.
- [6] سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج 1، ص 298
- [7] یکی از دانشمندان قطیف، کتابی درباره‌ی ایمان ابوطالب به نام «ابوطالب مؤمن قریش» در 340 صفحه نوشته و از مدارک اهل سنت، مساله ایمان و اخلاص ابوطالب را اثبات کرد، ولی مقامات قضایی حجاز، در جهان آزادی بیان و عقیده، از او خواستند که سخن خود را تکذیب و پس بگیرد! چون چنین نکرد، محکوم به حبس و اعدام شد که البته با تلاشهای زیادی آزاد گردد. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج 1، ص 285.
- [8] امینی، الغدیر، ج 7، ص 366- 367.
- [9] امینی، الغدیر، ج 7، ص 380

[10] امینی، الغدير، ج 7، ص 341. از ابن شهر آشوب در تفسیر متشابهات القرآن ذیل: «ولینصرن الله من ینصره».

[11] الغدير، ج 7، ص 331

[12] الغدير، ج 7، ص 346



محراب

کانال محتوای راهبری برنامه های تبلیغی